



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیات ارث در قران کریم را یک بار دیگر می خوانیم:

آیه ۱۱ از سوره نساء: ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثُ مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَ وَّرِثَهُ أَبُوَاهُ فَلِلْأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِلْأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفَعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا^۱.

آیه ۱۲ از سوره نساء: ﴿وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ هُنَّ وَلَدٌ فَلِكُمُ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَ هُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورِثُ كَالْأَلَّةِ أَوْ امْرَأَةٌ وَ لَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ^۲.

آیه ۱۷۶ از سوره نساء: ﴿يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ امْرَأَةٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَ لَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَ هُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَ إِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَ نِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضَلُّوا وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ^۳.

^۱ سوره نساء، آیه ۱۱.

^۲ سوره نساء، آیه ۱۲.

^۳ سوره نساء، آیه ۱۷۶.

مقداری از کلام صاحب جواهر را خواندیم تا تسلط بیشتری پیدا کنیم و مطلب روشن شود و بعد به سراغ حساب برویم منتهی چند مطلب در اینجا قابل ذکر است:

اول اینکه اگر در میان ورثه ذوفرض نباشد (خود فروض مذکور در قران شش تا بودند: ثلث، ثلثان، سدس، نصف، ربع و ثمن منتهی کسانی که از این فروض ارث می برند پانزده نفر می باشند) مثل اعمام و احوال یا مثل اجداد که ذوفرض نیستند یعنی در قران فرضی برای آنها ذکر نشد، در اینصورت اینها بالقرابة ارث می برند یعنی با توجه به روایاتی که داریم ارث می برند و برای تقسیم اصل مسئله به عدد رئوس آنهاست مثلا یک نفری از دنیا رفته و پنج عمو دارد یا اینکه از دنیا رفته و پنج پسر دارد خب در اینصورت مال به پنج قسمت تقسیم می شود اما اگر مثلا دو عمو و دو عمه دارد در اینجا عمو طبق "للدکر مثل حظ الأنثیین" دو برابر عمه ارث می برد یا مثلا اگر پنج عمو و پنج عمه داشته باشد مال به ۱۵ سهم تقسیم می شود و ۱۰ سهم برای اعمام و پنج سهم برای عمه ها می باشد علی آیی حال در هر موردی که ذوفرض نباشند تقسیم به عدد رئوس آنها می باشد.

دوم اینکه گاهی ترکه برای ذوفرض است و دقیقا به قدر سهام آنها می باشد بدون کسر مثل اینکه زنی از دنیا رفته و اولاد ندارد که در اینصورت زوج نصف می برد و اخت واحده أبوینی یا اخت واحده أبی نیز نصف می برند.

خب و اما کلام جواهر را می خوانیم تا مطلب روشن شود، صاحب جواهر اینطور می فرماید: «وعلى كل حال فالفروض الستة المذكورة (وهی الثلث والثلثان والسدس والنصف والربع والثلث) إما أن يقع في المسألة واحد منها (فروض ستة) أو اثنان فصاعدا، فإن لم يقع فيها إلا واحد فالمخرج المأخوذ من ذلك الكسر هو أصل المسألة (یعنی فقط یک فرض بر داریم مثلا فقط زن میت به تنهایی به عنوان فرض بر وجود دارد و میت فرزندی ندارد

می شود ۱۲)، فهو أصل المسألة، ولو اجتمع الثمن والسدس، كزوجة (که چون فرزند هست ثمن می برد) وأحد الأبوين مع ابن (که چون فرزند هست سدس می برد)، فأصل الفريضة أربعة وعشرون، لأن الثمانية توافق الستة بالنصف فتضرب نصف إحداهما بالأخرى (ثمن مخرجش ۸ است و سدس مخرجش ۶ است که متوافقین هستند و هر دو بر ۲ قابل قسمت هستند لذا ۸ تقسیم بر ۲ می شود ۴ و ضرب در ۶ می شود ۲۴ و ۶ تقسیم بر ۲ می شود ۳ و ضرب در ۸ می شود ۲۴)، وهكذا^۵.

بنابراین ما امروز متمثلین و متداخلین و متوافقین را با آن مقدمه و همراه با مثال عرض کردیم، بحث را مطالعه کنید تا بقیه را فردا إن شاء الله بیان کنیم...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على
محمد و آله الطاهرين

لذا سهم زن ربع می باشد البته میت از طبقات دیگر وارث دارد مثلاً اعمام و احوال هستند منتهی به عنوان فرض بر در قران کریم ذکر نشده اند که در این صورت ترکیه به چهار قسمت تقسیم می شود و سهم زن یعنی یک چهارم داده می شود و بعد سه چهارم باقیمانده بین بقیه که سهم مفروض در قران کریم ندارند طبق قاعده ای که بعداً عرض خواهیم کرد تقسیم می شود)، فالنصف من اثنين، والثالث من ثلاثة، والرابع من أربعة، وعلى هذا القياس^۴.

ادامه کلام صاحب جواهر: «وإن وقع فيها اثنان فصاعداً (یعنی دو فرض بر داریم) فان كانا من مخرج واحد، كالثنين (إخوه أبويني) والثالث (إخوه أُمي)، فالثلاثة أصل المسألة (به این دو مخرج متمثلین گفته می شود لذا یکی از آنها را أخذ می کنیم و همان اصل مسئله می شود).

وإن كانا مختلفي المخرج أخذنا المخرجين ونظرنا فيهما، فإن كانا متداخلين كما إذا اجتمع الثمن (زوجه اگر زوج فرزند داشته باشد) والنصف (بنت واحده)، أو السدس (مادر میت در صورت وجود إخوه حاجب) والنصف (بنت واحده)، فأكثر المخرجين أصل المسألة (که به این دو مخرج متداخلین گفته می شود)، وهو الثمانية في الأولى والستة في الثانية.

وإن كانا متوافقين كما إذا اجتمع السدس والرابع في مثل زوجة (که چون میت فرزند ندارد ربع می برد) و واحد من كلاله الأم (که سدس می برد)، أو زوج (که چون زن اولاد دارد ربع می برد) وأحد الأبوين مع ابن (که سدس می برد)، ضربت وفق أحد المخرجين في جميع الآخر، فالاجتمع هو أصل المسألة، ففي المثال تضرب ثلاثة في أربعة أو اثنين في ستة يبلغ اثني عشر (ربع مخرجش ۴ است تقسیم بر ۲ می شود ۲ و ضرب در ۶ می شود ۱۲ و سدس مخرجش ۶ است تقسیم بر ۲ می شود ۳ و ضرب در ۴

^۵ جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۳۳۵، ط ۴۳ جلدی.

^۴ جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۳۳۵، ط ۴۳ جلدی.